



قولی عمومی جهاد لکبر



بیانات حجۃ الاسلام و المسلمین محمد جواد حجاج علی اکبری

در جمع مربیان و شبکه پشتیبان خواهران
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

جلسه ۵ - مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

- حفظ نورانیت و دستاوردهای ماه مبارک رمضان
- آرزوهای اولوالالباب
- تقدیرهای ليله القدری
- حفظ عادت های خوب ماه مبارک رمضان
- جهاد اکبر و قواعد عمومی و کلی مدیریت خویشتن
- یادِ ذکرالموت پیش‌برنده است
- حجابِ قُرب و نزدیکی مرگ
- پرهیز از فراگیرسازی مسائل ماورایی
- مدیریت هیجان‌های نفسانی با یاد مرگ
- موقعیت‌شناسی ذکرالموت
- تصویرسازی یاد مرگ
- زیارت اهل قبور در دستور کار باشد
- مرگ‌آگاهی شفاست
- سؤالات مخاطبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

حفظ نورانیت و دستاوردهای ماه مبارک رمضان

که در واقع ماه شوال که تعبیر زیبایی هم ماه مکرم شوال دارد، «شوال المکرم» این ویژگی را دارد که مومنین در ماه شوال روی دو نکته اساسی تمرکز کنند که یکی عبارت است از حفظ نورانیت و حفظ دستاوردهایی که در ماه مبارک رمضان داشته‌اند. این خودش یک برنامه است و کسی تلقی نکند که این مطلب، مطلب آسانی است. عموم مومنین به خاطر عبور از آن قطعه بهشت‌آسای ضیافت الهی در ماه مبارک رمضان حظ و بهره‌ای از آن نورانیت دارند. قطعاً به خاطر روزه، برنامه دعا و شرکت در مجالس مومنین و امثال اینها هرکسی بالاخره یک سهمی از این نورانیت نصیبش شده است. حفظ این دستاورد یکی از مهم‌ترین برنامه‌های ماه مکرم شوال است که مومنین باید مراجعه کنند. برنامه‌ریزی می‌خواهد که چگونه آن‌چه را که به‌دست آورده‌ایم حفظ کنیم و عنایت دارید که

امیدوارم خداوند تبارک و تعالی توفیق بهره‌مندی شایسته و مناسب از برکات بی‌پایان ماه مبارک رمضان را به همه عزیزان کرامت کرده باشد. ماه مکرم شوال استحضار دارید برنامه مستقلی ندارد، به این معنا که شبیه مثلاً ماه معظم شعبان، ماه مکرم رجب که مشحون از دعا، مطلب، ذکر، نماز و امثال اینها است. ماه مبارک رمضان هم که جای خودش را دارد. ماه شوال از این جهت یکباره یک شرایط ویژه‌ای دارد و پیشنهاداتی از آن قبیل را اصلاً شما مشاهده نمی‌کنید. غیر از آن پیشنهادی که برای بدرقه ماه مبارک رمضان با روزه یک هفته‌ای (غیر از عید سعید فطر) دیگر پیشنهادی نیست. نکته دارد و آن این است



افرادی که در این تردد هستند و یک رفت و برگشت دارند کسانی هستند که نمی‌توانند پیش بروند. یک نوع درج‌ازدن همیشگی هست. پس مسئله از این جهت خیلی اهمیت دارد.

آرزوهای اولوالباب

این تعبیری که در قرآن کریم هست به عنوان دعای اولوالباب و خردمندان، انسان فکر می‌کند آنهایی که به لباب و مغزهای حقیقت دست پیدا کرده‌اند، اینها که به این نقطه رسیده‌اند اگر در پیشگاه خداوند متعال بخواهند تمنایی داشته باشند، تمنای آنها چه هست؟ قرآن کریم یک فهرستی از آرزوهای اولوالباب و خواسته‌های آنها را ارائه می‌کند و جالب است یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های اولوالباب و صاحبان خرد عبارت است از اینکه «رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

بدترین فرض این است که انسان اگر حافظ نباشد عملاً نمی‌تواند پیش برود. عموم کسانی که پیش‌رو هستند و در منازل قرب الهی و در سلوک الی‌الله تبارک و تعالی موفق می‌شوند، کسانی هستند که حافظ هستند. یعنی قدرت حفظ آنچه را که به دست آورده‌اند از عنایات الهی، الطاف الهی، و نورانیت و تقوا این را داشته باشند و اگر کسی در مسئله حفظ ضعیف باشد در اندک زمانی آنچه را که به دست آورده است از دست می‌دهد و اگر همه‌ی آن را از دست ندهد بخش عمده‌ای را از دست می‌دهد. نهایتاً وقتی به خودش مراجعه می‌کند می‌بیند گویا سر جای اولش است. یعنی مثل کسی که دائماً یک رفت و برگشتی دارد، اگر مثلاً ۱۰ قدم رفته است جلو می‌بینید ۸ قدم برگشته است یا همان ده قدم یا حتی خدای ناخواسته بیشتر عقب‌گرد داشته است. عملاً



جای اولش. آدم گاهی وقتها پیش خودش خیال می‌کند، می‌پرسد و می‌گوید مگر همچین کسی تصویر دارد؟! خب این خیلی چیز شگفت‌انگیزی است. مثلاً با زحمتی این را به دست بیاورد و بعد این را باز کند.

قرآن کریم با یک خطاب جدی این را مطرح می‌کند «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا» خب این معنایش این است که این خطاب حتماً باید مخاطبان زیادی داشته باشد، این نمی‌تواند یک چیز معدودی باشد، آن هم مربوط به یک افرادی است که گویا مبتلا به یک نوع مثلاً اختلال عقلی هستند که خودشان پی درست می‌کنند و خراب می‌کنند. این یک رفتار بچگانه است. مطلب دوم عبارت است از اینکه انسان بتواند با یک ذخیره بسیار مهم و بزرگ، تقدیرهای برجسته را که در برنامه خودمان داریم کسب کند. استخراج

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۱ آنچه را که ما از نور هدایت به دست آوردیم و سهم ما شده است می‌گویند خدایا از آن خارج نشویم، از هدایت به گمراهی میل نکنیم و از آن خط مستقیم، صراط مستقیم به بیرون کشیده نشویم. این می‌شود یک مطلب اساسی.

قرآن کریم یک مثالی هم دارد «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَفَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا»؛ مثل کسی نباشید که با زحمت یک پنبه‌ای را رشته می‌کند. آن وقت‌ها با چه زحمتی نخ‌ریسی می‌کردند، با این دوک‌های دستی، نمی‌دانم شما دیده‌اید یا نه، کسی که این کار را می‌کند چقدر رنج می‌برد که نوعاً خانمی این کار را می‌کرد، بعد با زحمت اینها را آماده می‌کند و به دست می‌آورد و آنگاه همه آنچه را که به دست آورده است مجدداً همه رشته‌های خودش را پنبه کند، برگرداند سر

۱ آیه ۸ سوره آل عمران
۲ آیه ۹۲ سوره نحل



از مسائل ظاهری که مربوط به جریان عمومی زندگی هست تا مسائل اخلاقی، معنوی، تا مسائل علمی، معرفتی یک فهرستی داشتید. از رزق ظاهر تا رزق باطن، چیزهایی که آن شب ملتسمانه از درگاه خداوند متعال خواسته‌اید. مغفرت در صدرش بوده است. مطمئن باشید اینها را برای شما نوشته‌اند. چون کسی در ضیافت لیل‌القدر نمی‌رود مگر اینکه آنجا پذیرایی خیلی عالی از او بشود. حضرت کریم بالاخره میزبان است. اگر کسی غیر از این فکر کند احتمالاً مبتلا به گناه سوءظن به حق تعالی است، و آلا همه اینها را برای شما نوشته‌اند، غیر از آنکه از مسائل دنیایی به خیر و صلاح ما نبوده است و احتمالاً چیزهایی را می‌خواستیم که به خیر ما نیست. مثلاً به خیال ما جزو چیزهایی است که به نفع ما است، خب این معنایش این است که از این به بعد نوبت ما است که سهم

این گنجینه‌ها کاملاً وابسته به طراحی و برنامه‌ریزی است که ما چه کار کنیم.

تقدیرهای لیل‌القدری

ملاحظه فرمودید که مطلب اینجا دقیق می‌شود چون می‌خواهم به بحث جاری برسم، فرصت توضیح ندارم. ولی عمدتاً این است که از ماه شوال تا ماه مبارک رمضان آینده، مؤمنین سر سفره تقدیرهای لیل‌القدری خودشان قرار گرفتند و از آن بهره‌مند می‌شوند. این مستلزم یک طراحی و یک برنامه‌ریزی دقیق‌تری است که ما چگونه آنچه را که در حساب ذخیره‌مان به کرم پروردگار متعال ریخته و قرار گرفته است، چگونه آن را به دست بیاوریم، استخراج کنیم و در متن زندگی‌مان بهره‌مند شویم. کافی است شما خودتان مراجعه کنید به آنچه که شب قدر می‌خواستید، شب قدر از خدای متعال چه می‌خواستید؟



حفظ عادت های خوب ماه مبارک رمضان

مطلب سوم هم عبارت است از حفظ عادت های خوب ماه مبارک رمضان. آن هم خودش یک فهرستی دارد و خوب است عادت‌هایی را که انسان در ماه مبارک رمضان به دست آورده است، از سحرخیزی، تلاوت قرآن و دعا و البته نمی‌توانیم بعد از ماه مبارک رمضان آن مبالغ را دوباره داشته باشیم، البته فضای ماه مبارک رمضان با فضای بعد ماه مبارک فرق می‌کند ولی این سهمش را داشته باشیم. اینطور نباشد که انسان ماه مبارک رمضان یک اوجی در تلاوت قرآن می‌گیرد بعد از ماه مبارک رمضان یک دفعه یک اُفت جدی داشته باشد و رها کند. نوعاً این‌گونه هستیم. اگر آنجا مثلاً یک روز یک جزء می‌خواندیم حالا ببینید که شاید یک صفحه یا دو صفحه هم نخوانید. از سایر موارد هم

خودمان را که اسمش حُسن اختیار است و در معارف ما معنایش این است که ما با حُسن اختیار و آن انتخاب‌های خوب، آنچه را که در ليله‌القدر خواستیم این را استخراج کنیم و از آن حساب ذخیره‌ای که خدای متعال برای ما قرار داده است اینها را به دست بیاوریم.

اگر کسی خیال کند همین‌طور آن شب که خواستیم دیگر کافی است، یعنی خیال کند صرفاً با دعا و با درخواست آن خواستن اجابت شده است، ظاهراً از همان جا از دست داده است، خواستن و دعای شما در شب قدر قرین اجابت است، تحقق عینی آن شرایطی دارد که مهم‌ترین شرط آن خود شما هستید. همت، برنامه‌ریزی و به میدان رفتن شما است. خواستم این دو جمله را یادآوری کنم. یک بحث سوم می‌ماند البته این را هم البته در کنار آنها خوب است بگوییم.



به مناسبت ماه شوال بود. کسی پرسید ماه شوال، ماه فراغت است چون هیچ خبر خاصی، پیشنهادی نداریم. به کتاب‌های مربوطه هم که مراجعه می‌کنیم گویا ظاهراً خالی است و مثل این است که مثلاً استراحت داده باشند. عرض می‌کنم بله این نکته بی‌ربط هم نیست. مثل اینکه یک استراحتی داده‌اند، اما در کنارش این برنامه اصلی وجود دارد که یک توضیح مختصر خدمتتان دادم.

جهاد اکبر و قواعد عمومی و کلی مدیریت خویشتن

به بحث جاری خودمان برگردیم که بحث جهاد اکبر و قواعد عمومی و کلی مدیریت خویشتن است. در این چند جلسه به مناسبت سهم خود مربی عرض می‌کردم و بحثی بود که در تربیت خویشتن مخصوصاً کسانی که سمتی در تربیت دیگران

از سحرخیزی، از مناجات‌خوانی، از دعا، از اهتمام به نماز اول وقت و امثال اینها یک مقداری را تحت برنامه داشته باشیم. حتی مثلاً همین کم خوردن، کم خفتن، کم گفتن، قلۀ الکلام و قلۀ المنام و قلۀ الطعام.

جلسه پیش به مناسبت بحث جاری‌مان عرض کردیم اینها در ماه مبارک رمضان به صورت طبیعی اتفاق می‌افتد که به خاطر طبع روزه است. انسان هم حوصله خیلی گفتن ندارد، غذا هم که نمی‌خورد و جزو برنامه اصلی روزه است و خواب هم در ماه رمضان خیلی کم می‌شود. در نتیجه بهره‌برداری از زمان خیلی زیاد می‌شود، انسان این را خودش احساس می‌کند که خوب می‌تواند از زمان خودش استفاده کند. خوب است که یک سهمی از این عادت‌های خوب را به لطف خدای متعال بتواند بعد از ماه مبارک رمضان نگهداری کند، این یک یادآوری



یادِ ذکرموت پیش برنده است

شاید شگفت‌انگیز باشد که انسان وقتی مراجعه می‌کند به کلمات اولیای خدا و به دلالت کلمات اولیای خدا، وقتی مراجعه می‌کند به سیره آنها، وقتی مراجعه می‌کند به آن مضامین قرآنی که نازل به این سیره و گفتارها است، وقتی شما مراجعه می‌کنید خیلی زود به دست می‌آورید، به‌علاوه تجربیات خود ماها که هر کدام از ما بالاخره در این زمینه تجربیاتی داریم و آن عبارت است از اینکه یادِ رفتن، یادِ ذکرموت در این میانه از نظر کمکی که به سالک می‌کند و نقش آن با کمتر چیزی قابل مقایسه است، اصلاً شگفت‌انگیز است. یعنی در بین آنچه که کمک‌کننده است برای انسان سالک که بالاخره این راهی است که باید برود، با همان پیچ و خم‌ها، فراز و نشیب‌ها، مخاطره‌ها، عقبه‌ها و به تعبیر قرآن کریم آن گردنه‌های سخت

دارند و به‌صورت مبنایی، معلم و مربی رسمی هستند، اگرچه خیلی از خانم‌ها بخواهند یا نخواهد معلم و مربی هستند، مثلاً مادرند و فرزندی دارند. داشتیم به این سؤال پاسخ می‌گفتیم سهم ما درباره خودمان چگونه است؟ عرض کردم در کلیات مسئله اصولی وجود دارد که این اصول را خوب است که بشناسیم و به آن التزام پیدا کنیم.

بعضی از موارد را عرض کرده بودم اگر چه اینها عمدتاً یادآوری است ولی بالاخره ان‌شاءالله ذکر نافع است. آخرین نکته‌ای که عرض کردیم در باب مخالفت با نفس بود که جلسه پیش به آن پرداختیم. من در ادامه عرایض جلسه قبل یک نکته را می‌خواهم یادآوری کنم که خیلی پیش‌برنده و فوق‌العاده است.



و آن لغزشگاه‌های عجیب که در مسیر وجود دارد، وقتی شما مراجعه می‌کنید می‌بینید که این مسئله شاید در فهرست اول امدادها و کمک‌های ویژه برای سالک قرار می‌گیرد. خوش به حال آن کسانی که از این امداد الهی خوب بتوانند استفاده کنند. مطلب، مطلب عجیب و غریبی نیست چون با زندگی و مرگ ما عجین است و اتفاقی است که به صورت دائمی برای همه مومنین می‌افتد.

البته آن یک اوجی دارد که قرآن کریم از آن تعبیر جالبی دارد که فرمود: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»؛^۳ خب این خیلی جالب است می‌فرماید که خداوند تبارک و تعالی در لحظه مرگ جان شما را می‌گیرد «يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ

مَوْتِهَا» بعد بلافاصله می‌فرماید «وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا؛ و همه نفوسی که از دنیا نرفته‌اند، در خواب خدای متعال آنها را می‌گیرد». از همین آیه کریمه به ما نشان می‌دهد که ما دائم این قضیه را تجربه می‌کنیم. منتها مشکل ما، مشکل گرفتار غفلت است یعنی انسان گرفتار غفلت است و توجه ندارد، و الا تاکنون که ما خدمت شما نشسته‌ایم احدی در عالم نتوانسته راجع به خواب توضیحی بدهد، اصلاً قابل توضیح نیست، خیلی زحمت کشیده‌اند تا بتوانند با قواعد عادی خفتن را توضیح بدهند ولی خیلی صریح و راحت قرآن کریم تصریح کرده و در روایت ما هم همین مسئله توضیح داده شده است که این همان است منتها اینجا (در خواب) بازگشت هست اما در آنجا (در مرگ) بازگشت نیست. وقتی که بازگشت نیست آن وقت یک باب تازه باز می‌شود، یعنی انسان از

(سوره زمر؛ آیه ۴۲)



وقت‌ها غفلت‌های ما به خاطر این حجاب قُرب و نزدیک بودن است که انسان به آن مبتلا می‌شود. مثال‌های خوبی هم می‌زنند؛ می‌گویند انسان در روز دارد با روز زندگی می‌کند اما خود روز را به آن توجه ندارد و شب دارد زندگی می‌کند اما به شب توجه‌ای ندارد، این به خاطر عادی شدن است. مسئله عادت است. مسئله این است که ما توجه کنیم که دیر یا زود در یک وقت غیرمعین که برای ما هیچ معین نشد که این زمانش برای واحدهای ما از آحاد انسان‌ها که چه وقت اجل‌اش می‌رسد بدون شک ارتباط بین ما و این زندگی عادی ما به طور کامل قطع می‌شود و ما دیگر از اینجا جدا می‌شویم. یعنی همین حالتی که عرض کردم، به خواب که رفتیم دیگر از این خواب به این سمت بیداری نخواهد بود و وقتی قطعی شد تفاوتش در این است که اگر برگشت، این طرف

این ظاهری که در آن هستیم و اسمش دنیا است یک عبوری می‌کند ولی دیگر بر نمی‌گردد. همه بحث در این کلمه ارسال و عدم ارسال است. فرمود خدای متعال می‌گیرد منتها در ماجرای مرگ این دیگر بر نمی‌گردد ولی در خواب برمی‌گرداند تا آن زمانش برسد. «اللَّهُ يَتَوَفَّى حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى؛ آنی که مرگش رسیده باشد نگاه‌اش می‌دارد و آن کسی که مرگش نرسیده باشد برمی‌گرداند». این دائم برای ما تجربه می‌شود و برای ما هست.

حجاب قُرب و نزدیکی مرگ

این قدر مرگ با زندگی ما عجین است و به قدری با هم ترکیب شده است و نزدیک است که گاهی انسان از شدت این قُرب در حجاب قرار می‌گیرد. گاهی



بیدار می‌شود و اگر برنگشت، آن طرف بیدار می‌شود. ما در حالت خواب، بیداری به عالم بعدی نداریم. در یک حالت میانی آنجا نگهداری می‌شویم. اگر قطعی شد که دیگر این نمی‌خواهد برگردد یک تکمیلی دارد که در آن تکمیلی بیداری است به عالم بعدی که در آن بیداری انسان دیگر به طور کلی از آن مرحله جدا شده است و عبور می‌کند.

پرهیز از فراگیرسازی مسائل ماورایی

اخیراً این بحثی که تحت عنوان «زندگی پس از زندگی» و تجربه مرگ مطرح شده؛ اینجا من خودم مباحثاتی دارم و الان نمی‌خواهم وقت شریفتان را بگیرم. چون این در سطح جامعه ما مطرح شده است شما هم باید به این مباحث یک مقدار مجهز بشوید. چون دیده‌اید بعضی از آقایان و روحانیون را به کار می‌برند و در تلویزیون به یک برنامه رسمی

تبدیل شده است و بعد هم در کنار آن بعضی نقل‌هایی را این افراد داشتند. اخیراً وارد بعضی از خطوط دیگر هم مثل دیدار با مثلاً اولیاء خدا و ائمه و امثال اینها شده‌اند. من به شما عرض کنم با طرح این‌طور بحث‌ها من به هیچ عنوان با آن موافق نیستم. تا آنجایی که می‌گویند بله ما مثلاً یک وقت شخص از دنیا رفت و یک حالت کُما و امثال اینها برایش پیش آمده و احیاناً در فراسوی یک چیزهایی را درک کرده است. آن چیزهایی که درک کرده چقدر واقعی است؟ چقدر از آن خیال است؟ اینها خودش کلی داستان دارد، ما این را به یک برنامه تبدیل کنیم و بعد افرادی که می‌آیند نقل می‌کنند، دور از جان این افرادی که تا حالا با آنها مصاحبه هم شده است. بنده خیلی هم پیگیری نمی‌کنم ولی مثلاً یک مغازه‌های تازه باشد و بعد هم ممکن است از دل آن



حرف‌های دیگری بیرون بیاید. اینها چیزهایی است که شما استحضار دارید با طبع تشیع که یک نوع دیانت خردورزانه است و مبتنی بر قواعد استوار معرفتی است هماهنگی ندارد. همان بحث نقل خواب‌ها است. به خواب این‌ها چقدر می‌شود اعتنا کرد، خودش ممکن است برای خودش یک دستاورد داشته باشد ولی اینها را چقدر می‌توان تعمیم داد. یک وقتی ممکن است کسی فقط در حد اینکه کمی آن طرف‌تر رفته و به توفیق الهی برگشته، نقلش می‌تواند مثلاً یک مقدار بیدارگری داشته باشد و نقل آن بد نیست، منتها اصل یک چنین قضایا یک نوع کاملاً گرت‌برداری از مدل‌های غربی است. می‌دانید اینها همه آن طرف هست، مثل این برنامه «عصر جدید» که این طرف اجرا می‌کردند. حتی اگر دقت کرده باشید عیناً داورچینی و محیط‌آرایی و دکوراسیون‌آرایی آن

کاملاً برداشت شده است. اتفاقاً در ارتباط با همین موضوع تجربه مرگ دقیقاً آن طرف سال‌هاست شناخته شده است. راجع به آن گفتگو کردند، کتاب نوشته‌اند، فیلم تولید کردند، با آدم‌هایی که این‌طور رفتند هم مذاکره کردند. جالب است همه هم وارد یک تونل می‌شوند از آن تونل مکش اتفاق می‌افتد، یک چیزهایی مثلاً برای آنها آشکار می‌شود. در این میان حتماً چیزهای راستی هم هست. حتماً هست؛ مثل خواب که رویای صادقانه داریم، اما نمی‌شود مخصوصاً مسائل ماورایی و مسائلی را که به حوزه دین مردم مرتبط می‌شود، تجربه‌های شخصی را ما به سمت بحث‌های اجتماعی و فراگیرسازی بکشیم. بگذریم این را به مناسبت خواستم عرض کرده باشم.



مدیریت هیجان‌های نفسانی با یاد مرگ

مبارکی است. چه خوب است برای این هم انسان یک طراحی داشته باشد، همین طوری که نمی‌شود، یک مقدار مختصری برنامه‌ریزی می‌خواهد. مثل اینکه ما برای خودمان در وقت نمازها برنامه‌ریزی کنیم. این پنج وقت نماز فرصت‌های خوبی است برای اینکه انسان یک تأمل جدی در این باره داشته باشد. گاهی به ذهنمان می‌زند که ما هم مسافر هستیم ولی بعد خیلی سریع عبور می‌کنیم، چون ذهن اصلاً حاضر نیست به صورت طبیعی این را قبول کند. لذا همین طور می‌آید و سریع از آن عبور می‌کند، به آن درگیر نمی‌شود.

هنر شما، هنر درگیرسازی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه از کلمه اسماء استفاده کردند: «أَسْمَعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ أَذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُدْعَى بِكُمْ»؛ فرمود این دعوتی که دائم شما را صدا

نکته کلیدی که خواستم به خودم و همه بزرگواران یادآوری کنم یک کلمه اساسی است، آن کلمه عبارت است از اینکه به لطف پروردگار متعال و به عنایت الهی از این عطیه حق تعالی برای پیشرفت اخلاقی و معنوی، حفظ خودمان، صیانت از خودمان و مخصوصاً مدیریت هیجان‌های نفسانی و لگام زدن به نفس اماره خیلی خوب می‌شود استفاده کرد. کمتر چیزی سراغ دارید که این قدر بتواند به شما برای اینکه بتوانیم نفس را با آن مدیریت و مهارش کنیم کمک کند، خیلی پیش‌برنده است. این هم یک یادآوری است. روایات این باب خیلی متنوع است، پیشنهادهایی که هست خیلی جذاب است. این تعبیر «هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْغَصِ الشَّهَوَاتِ»؛ تعابیری از این قبیل راجع به یاد مرگ خیلی فراوان است. چه چیز



می‌کنم. به او سلام می‌کنم، عرض ارادت می‌کنم، بعد هم به او می‌گویم این اتفاقی را که برای من می‌افتد به من آسان بگیر، تو که یک روز نزد من می‌آیی و صدایم می‌زنی. این را برای خودش رویه کرده، این همان توجه می‌شود. بعضی‌ها بیشتر از اینها سهم دارند، مثل آن بیان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در استفاده از سجده دوم نماز که به تعبیری «مَنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»؛ این را در همین رفت و برگشت در سجده استفاده می‌کنند و هرکسی می‌تواند در این زمینه برای خودش یک تدابیری داشته باشد. خوب است که انسان یک وقت‌هایی به این مسئله فکر کند. اینجا بحث‌های خیلی شیرین و جدی و مفصلی وجود دارد که اگر یک وقتی فرصت شد می‌توانیم به آن بپردازیم.

می‌زند و مثل اینکه نمی‌شنوید این را اُسْمَا کُنید «أَسْمِعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ أَذَانَكُمْ» یعنی این صدای رفتن را، این صدای مرگ را، به گوش خودتان بشنوید و در گوش خودتان فرو کنید. به تعبیر حضرت «أَسْمِعُوا»؛ از این کلیدواژه حضرت استفاده کرده‌اند. «قَبْلَ أَنْ يُدْعَى بِكُمْ»؛ قبل از اینکه کار تمام شده و شما را صدا زدند دیگر تمام شده رفته و دیگر سودی ندارد. اما ما نمی‌توانیم، این برکات برای وقتی است که هنوز مهلت داریم و هنوز أجل به معنای دقیقش نرسیده است. بنابراین یک مقداری فرصت برای آن بگذاریم. چقدر خوب است مثلاً همان وقت‌های نماز انسان جزو برنامه‌اش باشد. یکی از دوستان الهی ما که بحمدالله موفق هم هست به من می‌فرمودند سال‌ها است که همیشه در همان وقت نماز بعد از نماز با حضرت قابض‌الارواح چند کلمه را با او صحبت



موقعیت‌شناسی ذکرالموت

شاید بهترین نقطه‌ای که انسان بتواند با خودش به معنای خودش، یعنی خود خالصش، چون می‌داند خود ما الان خالص نیست و با بسیاری از ناخودها عجین هست، یعنی هر کدام از ما یک سری چیزهایی که از خود ما نیست، اینها خودشان را به جای خود ما نشانده‌اند و چنان گاهی با زندگی انسان عجین شده‌اند که تفکیک آن کار مشکلی است. از جمله معدود جاهایی که این توفیق نصیب شما و هرکسی می‌تواند بشود این است که با خودش به معنای خودِ خودِ خودش روبه‌رو شود. همین موقعیت ذکرالموت وقتی برای انسان پیش بیاید توفیق است و شما می‌توانید با خودتان دیدار داشته باشید، دیدار با خویشتن. چون خود این دیدار را لازم داریم. قبلا هم در چند جلسه گذشته به مناسبت عرض کردیم، ما به این دیدار، به این

خلوت با خویشتن نیاز داریم. یکی از مقدماتی که خلوت با خویشتن را می‌سازد یاد مرگ است. چون بعضی‌ها این را می‌پرسند. مثلاً در روایت امام صادق (علیه‌السلام) به همین روشنایی فرمود «السَّعِيدُ مَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ خَلْوَةً يَشْغُلُ بِهَا»؛ که من این را برای خیلی از بچه‌ها در دفترشان نوشتم. این روایت خیلی عجیب است؛ «السَّعِيدُ»؛ تمام سعادت و خوشبختی شامل آن کسی است که در وجود خودش، در درون نفس خودش یک خلوتی را کشف و پیدا کند، در آن خلوت به خودش پردازد، خیلی روایت عالی است، این خیلی در سیر کمک‌کننده است «السَّعِيدُ مَنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ خَلْوَةً يَشْغُلُ بِهَا»؛ که در آن خلوت این بها به آن نفس بر می‌گردد».



تصویرسازی یاد مرگ

تکان‌دهنده است، حضرت خیلی کامل تصویرسازی کرده‌اند، آن هم در مقام مناجات است و حالت مناجاتش برای طلیعه این خلوت خیلی خوب است. انسان بخواهد وارد این خلوت شود آن قطعه را در یک وقت مناسبی مثلاً سحری بنشیند آنها را بخواند خیلی کمک‌کننده است. «فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِّنِّي إِنْ نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي»؛ اگر در همین وضعیت من به قبر منتقل بشوم که وضع‌ام خیلی بد است، من آنجا را آماده نکردم و می‌رود جلوتر «أَبْكَى لظَلْمَةِ قَبْرِي أَبْكَى»؛ به لطف خدای متعال از این خیلی می‌شود استفاده کرد.

زیارت اهل قبور در دستور کار باشد

بزرگان ما در برنامه‌شان رفتن به قبرستان را توصیه کرده‌اند. حالا دیدم مثلاً گاهی می‌خواهند

دعای ابوحمزه ثمالی ۸

آن چیزی که آن سرای نفس را برای این اشتغال مبارک خلوت کند، یاد مرگ است. یعنی همه این شلوغی‌ها و این ابتلائات، تعلقات و حتی آن چیزهایی که خیلی خودشان را با آن قاطی کرده‌اند همه را جدا می‌کند. چون یاد انقطاع کامل است. تصویرسازی خیلی مهم است. شبیه آن چیزی که مثلاً در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه ۱۰۸، یک تصویرسازی دارند. نهج‌البلاغه گاهی وقت‌ها مطابق با نسخه‌ها، گاهی وقت‌ها خطبه‌ها جلو و عقب است. اینجا حضرت کاملاً مراحل رفتن را یک تصویرسازی خیلی فوق‌العاده‌ای کرده است. خوب است که انسان از اینها استفاده کند. گاهی هم این متن را از زبان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بخواند. یا آن قطعه‌ای از مناجات ابوحمزه که در ماه مبارک رمضان با آن انس داشتید، آن هم خیلی



مسئله را تلطیف کنند، «آرامستان»؛ اسم‌های این‌گونه هم می‌گذارند که غلط‌انداز است. کدام آرامستان؟ اگر یک جایی باشد که خیلی در آن غوغاست آنجاست. مرکز اصلی ناله‌ها و فغان‌ها و صداها آنجاست. به قول امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سلام ما را می‌شنوید. وقتی که حضرت در کنار قبرستان ایستادن و شروع کردند در کنار کوفه صحبت کردند همین چیزها را گفتند، «یا أَهْلَ التُّرْبَةِ، یا أَهْلَ العُربَةِ» ای خاک‌نشینان، ای تنه‌اشدگان، حضرت شروع کردند با اینها حرف زدن؛ بعد خبرهایی به آنها دادند و فرمودند شما چه خبر دارید؟ ساکت شدند بعد فرمودند «أَمَا لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الكَلَامِ لِأَخْبِرُوكُمْ»؛ اگر به آنها اجازه داده می‌شد آن وقت به شما خبر می‌دادند؛ خبرشان هم خلاصه یک کلمه است «أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»؛ این را فقط بدانید آنچه که آن طرف

به کار می‌آید فقط تقوا است. آنجا خیلی خبرها است. منتها ما خیلی وقت‌ها به قصد زیارت اهل قبور می‌رویم. می‌گوئیم که عزیزی از ما از دنیا رفتند، از کسانی که می‌شناختیم به کنار قبرشان می‌رویم و برای آنها طلب مغفرت می‌کنیم. باز نرفتیم بشنویم، رفتیم که احیاناً یک چند کلمه را با آنها صحبت کنیم، برای آنها مثلاً خیر برسانیم. نه؛ یک وقت‌هایی آدم باید برای خودش برود، یک وقت‌هایی برود و در کنار قبر خودش بنشیند و فارغ از اینکه آنجا هست یا خیر؛ بالاخره یک جایی هست در آن محیط‌هایی که اشباع و نظیر آن دور تا دور آقای فلانی، خانم فلانی و در سنین مختلف آنجا به خاک سپرده شدند. از این فرصت خیلی باید استفاده کرد و این زیارتنامه‌ای هم که برای ما در آنجا هست خیلی تکان‌دهنده است که ما از این هم غافل هستیم «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لا



می‌شود. برای درمان بعضی از بیماری‌های بسیار پیچیده و ریشه‌دار شده و سخت اخلاقی، بهترین نسخه است. برای کسی که بخواهد از این بیماری‌ها نجات پیدا کند در هر صورت خیلی فوق‌العاده است. قدرش را بدانیم، ان‌شاءالله که فراوان روزی ما شود. این هم شد مطلب بعدی در آن کلیات جهاد اکبر که خیلی کمک‌کننده است. ان‌شاءالله بعد از این روزی ما از فضل حضرت حق زیادتر شود.

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِّنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟! حقیقتاً چه تعبیری برایش به‌کار بگیریم، مثلاً بگوییم دانشگاهی بالاتر از این هست که دانش توحید را، که علم توحید را این‌طور شسته‌ورفته و خالص در دسترس و در اختیار ما قرار بدهد. از این فرصتی که هست برویم استفاده کنیم و بهره‌های خودمان را برداریم.

مرگ‌آگاهی شفافست

سؤالات مخاطبین

سؤال یکی از حضار: در مورد آن رفت‌وبرگشت و مثال دویِ نخ‌ریسی که فرمودید وقتی می‌پیچیم و دوباره باز می‌کنیم بنده در مورد خودم که جستجو می‌کنم هنوز علت این مسئله را پیدا نکرده‌ام که چرا این اتفاق می‌افتد، با علم بر اینکه می‌دانم کار خیلی سختی است که می‌روم بعد دوباره باید به

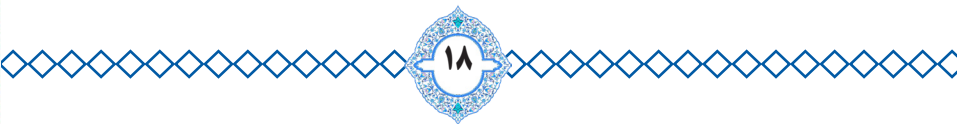
اگر ان‌شاءالله ما موفق شویم به یک سطح مناسبی از چیزی که از آن ما تعبیر می‌کنیم به مرگ‌آگاهی، به سطح مناسبی از این ذکر، از این یاد فوق‌العاده مفید و پیش‌برنده دست پیدا کنیم، می‌توان گفت که از بسیاری از مخاطرات در امان می‌شویم. خیلی از این خطرهایی که به صورت عادی سالکان را در مسیر تهدید می‌کند انسان رها



اول برگردم، آیا علت خاصی دارد و یا اینکه برای هرکسی یک نسخه خاص وجود دارد؟ یا می‌توان یک نسخه کلی داشت؟

پاسخ حاج آقا: پاسخ این مطلب این هست که در موضوعات مادی این‌گونه نیست، قبول دارید؟ نوعاً به معنای عام نگاه می‌کنید می‌بینید طرف بالاخره چیزی را که به دست آورده است مخصوصاً اگر سخت به دست آورده باشد یعنی برای آن زحمت کشیده باشد و یک مالی را تحصیل کرده باشد دیده‌اید مثل جان شیرین از آن حفاظت می‌کند. برای ریال ریال آن فکر می‌کند، مخصوصاً کسانی که زحمت کشیده باشند و آن را به دست آورده باشد. نکته‌اش این هست که اینجا چون منفعت آنچه که به دست آورده‌ایم به قول طلبه‌ها در حال و نقد و در دسترس است و کاملاً قابل فهم و لمس است بنابراین برای صیانت از آن شخص آن‌گونه مراقبت می‌کند،

برنامه‌ریزی می‌کند، جای امن می‌گذارد، سپرده‌گذاری می‌کند، فکر می‌کند چطور می‌تواند این را اضافه کنم، همین این تدابیر را برای آن انجام می‌دهد. اما در مسائل معنوی نکته این است که عمده آنچه که به دست آمده، آنچه فراهم شده در امور معنوی، عمده اینها سرمایه‌های ابدی است، مربوط به حیات ابدی می‌شود. اگر انسان موفق به این بشود که آن نگاه آخرتی خودش را تقویت کند، به همان اندازه نسبت به پاسداشت آنچه که از این گذرگاه برای حیات ابدی خود فراهم کرده آن وقت اهتمام خواهد داشت. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: **فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَّاكُمْ**؛ و آن پیش روی شماست، چون ما از آنجا غافل هستیم خودبه‌خود جنس این چیزی که اینجا به دست آورده است که مربوط به آن طرف است و اینجا خیلی ممکن است در نگاه اول انسان احساس کند کاربری



می‌کند، اتفاقاً روشنایی اینجایش را هم ما در پرتوی یاد آن زیست نهایی و ابدی است که می‌توانیم درک کنیم که اینجا چگونه برای ما روشن می‌کند. عمده مسئله این است که ان‌شاءالله خداوند توفیق و کرامت کند.

سؤال یکی از حضار: راهکار

خیلی دقیقی فرمودید، برای چه رده سنی می‌شود این نسخه را پیچید، خصوصاً برای بچه‌های سن خیلی پایین مثلاً متوسط اول و متوسطه دوم هم می‌شود استفاده کرد؟ چون می‌گویند یاد مرگ ما را از نشاط زندگی دور می‌کند.

پاسخ حاج آقا: از وقتی که

مخاطب شما می‌تواند یک برداشت درستی از آخرت داشته باشد یاد مرگ برایش مفید است. اگر بعضی از مخاطب ما زودتر به این فهم و درک می‌رسند که می‌تواند تشخیص بدهد که من دارم می‌روم، یعنی

ندارد، بعد اتفاقاً اطرافش را نگاه می‌کند می‌بیند اصلاً کسی به این چیزها فکر نمی‌کند، همه به دنبال مسائل دیگری هستند، همه مسابقه‌ها روی چیز دیگری است. علتش این است. سؤالتان خیلی سؤال اساسی و فنی بود. اگر ما بخواهیم آن را حفظ کنیم و حفظ ما تقویت شود تا بتوانیم آنچه را که فراهم کردیم خوب نگهداری کنیم باید توجه کنیم که با این چیزی که به دست آورده‌ایم داریم چه مرحله‌ای از حیات خودمان را، از امتداد زیست خودمان را داریم تأمین می‌کنیم. اگر به آن مرحله توجه کنید، که خود این یاد مبارکی که عرض کردیم در این زمینه خیلی کمک‌کننده هست. اگر انسان به این مسئله برسد آن وقت این را هم مثل جان شیرین نگهداری می‌کند. اگر نوری به دست آورد، چون این نور کاربرد اساسی‌اش در آن ظلمات است، همین‌جا را هم روشن



مرگ من را به عالمی با چه خصوصیتی منتقل می‌کند؟ به آن غایتی که داریم نزدیک می‌شویم چه خصوصیتی دارد؟ کجاست؟ همین تعبیری که در آن برنامه انتخاب کردند به نظر من تعبیر قشنگی انتخاب کردند. تعبیر «زندگی پس از زندگی»، تعبیر فنی، دقیق و درستی است. اینکه احساس کند به یک زندگی دیگری منتقل می‌شود. خب با این خصوصیات، در واقع این مرگ است که ما را از این مرحله‌ای که هستیم به آن مرحله منتقل می‌کند. وقتی که فهمی برای آن پیدا شده باشد این یاد می‌تواند کمک‌کننده و پیش‌برنده باشد. بله اگر تصویر انسان از عالم بعدی یک تصویر کاملاً مبهم و تاریکی باشد، احساس کند تمام می‌شود، احساس کند آن طرف با مرگ دیگر هیچ خبری نیست، اگر این تصویر مبهم و تاریک باشد یادش به‌جای اینکه پیش‌برنده باشد معمولاً

آسیب‌زننده است، بنابراین کاملاً متناظر با آن فهم است. لذا در روایت ما هم هست که آنجایی که توصیه می‌کنند، اولاً صریح است و دوماً اتفاقاً با جوان‌ها است، مثلاً امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نامه سی و یکم کاملاً از همین موضوعات با یک یادآوری‌های خیلی روشن، شفاف و بی‌اغماض شروع می‌کند.

سؤال یکی از حضار: این سؤال، هم سؤال خودم و هم دوستان طلبه‌ام هست و تلاش ما این است که این مسیر را با بهترین کیفیت با یاد خدا و مراقبت و مبارزه با نفس جلو ببریم. ولی این مسیر آن‌طور که باید و شاید خوب پیش نمی‌رود، مخصوصاً در حوزه یاد خدا؛ یاد مرگ راحت‌تر است اما یاد خدا با اینکه مراقبت از این یاد که همراه خود داشته باشد مطمئناً نکاتی را در مورد آن شنیده‌ایم اما می‌خواستم



اگر امکانش باشد چند نکته عملی بفرمایید که کمک کننده باشد. چون بعضاً به فرمایش خودتان مسیری را جلو می‌رویم ولی بعد متوقف می‌شود؛ این اصل خیلی زیاد است.

پاسخ حاج آقا: به نظرم این مطلب می‌تواند یک موضوع مستقلاً هم تلقی شود برای اینکه به آن پرداخته شود. ولی کافی است به این نکته استحضار داشته باشید که اساساً ما در محیط یاد زندگی می‌کنیم نه در محیط غفلت، یک وقت انسان در محیط غفلت از خداوند زندگی می‌کند این جمله‌ای بود که من عرض کردم برخلاف چیزهایی که گفته می‌شود، چون عالم پیرامون ما و عالم درون وجود ما اساساً عالم یاد است، چون به نور توحید روشن و منور است، یک کلمه در قرآن کریم است که فرمود «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^{۱۰}؛ بعضی‌ها می‌خواستند

به جای «نُورُ السَّمَاوَاتِ» بگویند «ای منور سماوات والأرض» که این درست نیست، به همین لطافتی که در آیه هست، نیاز به دست‌کاری هم ندارد، این یعنی تمام آسمان‌ها و زمین روشن از جلوه حضرت حق تبارک و تعالی است و ما در محیط روشنایی هستیم. خب اینجا اگر برای انسان غفلتی از خدای متعال پیش می‌آید، این غفلت ناشی از ندیدن و ناشی از گرفتار شدن به عادت است، خروج از این وضعیت یک مُنبّهاتی می‌خواهد، یکی از بزرگ‌ترین مُنبّهات، تفکر است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: «بُئْسَ بِالتَّفَكْرِ قَلْبِكُ»^{۱۱}؛ قلبت را با تفکر بیدارش کن» نگذار خواب باشد، وقتی که بیدار شد می‌بیند تمام عالم ذکر است، یعنی از سراسر عالم ذکر می‌بارد. مثل باران بهاری که دیده‌اید همین‌طور یکباره می‌بارد همین‌طور ذکر می‌بارد، آن وقت چطور



می‌شود وسط این بارش ذکر این همین‌طور خشک است، می‌گویند علتش این است که ظرف وجودی تو وارونه است، این تعبیر خود روایت ما هست، می‌فرماید بعضی ظرف وجودی و قلبشان معکوس است یعنی وارونه است، وقتی هم وارونه باشد هر چه هم که می‌بارد چیزی نصیبشان نمی‌شود.

بنابراین برخلاف آنچه که مدام می‌شنویم که اینجا غفلت‌سرا است، اتفاقاً اینجا ذکر‌سرا است. بله به اعتبار ما آدم‌ها غفلت‌سرا است، به اعتبار اینکه ما به منابع ذکر پشت می‌کنیم ما که نمی‌خواهیم بشنویم، ما که خودمان را به خواب زده‌ایم یا مثلاً خوابمان برده است، این به اعتبار ما آدم‌ها است ولی محیط عالم این‌گونه است. البته قرآن کریم یک‌قدم آن‌طرف‌تر هم می‌رود و کار را برای شما نزدیک هم می‌کند، فرمود «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ

فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^{۱۲} از غرر آیات قرآنی این آیه است، خیلی عجیب است، بیدارکننده و تکان‌دهنده است، ملاحظه می‌فرمایید اینجا چقدر صریح می‌فرماید «سَنُرِيهِمْ» این سین هم که می‌دانی از ادات تأکید در اینجا است. قطعاً ما داریم نشان می‌دهیم، چون خدای متعال که چیزی را مخفی نمی‌کند «آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ» هر چه که بیرون از وجود شما هست «وَفِي أَنفُسِهِمْ» و هر چه که در وجود شما هست. پس عالم نزدیک‌تر همین جاست که انسان می‌تواند در آینه وجود خودش می‌تواند رخ یار را ببیند. این جام وجود شما عکس رخ یار را دارد، یعنی انسان باید ببیند، این در وجود خود شما هست، خیلی هم لازم نیست این‌طرف و آن‌طرف بروید، همین‌جا را تماشا کنید، بعد فرمود «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ

(سوره فصلت؛ آیه ۵۳) ۱۲



لِّلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ^{۱۳}؛ اطراف شما در زمین برای اهل یقینن پر از آیه است» بعد فرمود «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ یعنی حداقل خودتان را شما نمی‌بیند». بنابراین آن تفکر و توجه را می‌خواهد. ان‌شاءالله خداوند متعال روزی ما کند.

سؤال یکی از حضار: این که اشاره به شب قدر کردید که حتماً همه سر آن سفره قرار گرفته‌اند و حالا باید برنامه‌ریزی و همت و اینها را داشته باشد، یعنی همین که هرکسی هرچقدر شب قدر بیدار بود و دعایی کرده این یعنی ثابت می‌کند که از فیض شب قدر استفاده کرده است و می‌شود این نوید را به همه داد؟

پاسخ حاج آقا: ببینید درباره شب قدر، یک نکته که مسلم است این است که «فِيهَا يُفْرَقُ

كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»^{۱۴} یا مثلاً «مِن كُلِّ أَمْرٍ»؛ همه فرشته‌ها در هر مسئله‌ی آن شب ورود می‌کنند. هیچ چیزی جا نمی‌ماند. یعنی هر چیزی که در این عالم هست تحت تقدیر و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد. این همان ضیافت عام هست و تقدیر اصل همین است. در این میانه یک باب تکریم و گرمی داشت از خداوند تبارک و تعالی به خاطر لطف خاصی که داشته است و به شرف حضرت خاتم؛ خیلی مقام پیامبر بزرگ است، در پیشگاه خداوند متعال خیلی رفیع‌المنزله است، به شرف حضرت خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به دوستان حضرت و به کسانی که بالاخره در محیط اسلام قرار می‌گیرند آن هم بالاخره به ولایت امیرالمؤمنین و

ائمه هدی (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) برای اینها یک طراحی عجیبی انجام داده است، آن طراحی عجیب این است که خبر کرده است که

«تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا»

(سوره دخان؛ آیه ۴)

(سوره الذاریات؛ آیه ۲۱ و ۲۰)



بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^{۱۵} و عظمتش را گفته «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^{۱۶} و اینکه ما می‌توانیم در آن شب در فرایند تقدیر خودمان و تقدیر عالم تاثیرگذار باشیم و می‌توانیم سهم داشته باشیم. این همان چیزی است که عرض کردم به شرف محمد و آل محمد تقدیم شده است. اینجا آن باب خاصی است که من اشاره کردم. یعنی شما به عنوان یک کسی که به لطف خدای متعال مشرف به شرف محمد و آل محمد و به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستید، به دلالت آنها این شب‌ها را به سهم خودتان سعی کرده برنامه‌ریزی کنید که فرمودند بالاخره یکی از این سه شب، شب قدر است، مخصوصاً در این دو سال اخیر مخصوصاً

۱۵ (سوره قدر؛ آیه ۵و۴)

۱۶ (سوره قدر؛ آیه ۲و۳)

شب بیست و سوم برنامه‌ریزی کرده‌اید، حالا هر کاری توانستید انجام داده‌اید، جلسه رفتید، قرآن به سر گرفتید، قرآن خواندید، دعا کردید، خودتان بیدار بودید، بچه‌ها را بیدار کردید که سیره حضرت زهرا (سلام الله علیها) است. توجه داشته‌اید که توسل به امام عصر (علیه السلام) پیش‌برنده اصلی در آن شب باشد. پس این کارهایی بوده که می‌توانستید انجام بدهید، گریه و زاری کردید، استغفار کردید. بنابراین برای کسانی که وارد یک چنین عرصه‌ای می‌شوند و با یک فهرستی از تقاضاها می‌روند این بشارت عظمایست و یا فرمود به آن کسی که سؤال هم نکرده به او می‌دهیم، شما از ماه رجب این را گفته بودید، نگفتید «مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ» گفتید «يَا مَنْ يُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً»؛ دیگران هم سهم خودشان را از تقدیر دارند، بعضی‌ها به دعای مومنین



باشد که این چیز عجیب و غریبی است از جهت سدّ فیض شدن، آنها یک داستان‌های خاص خودشان را دارند.

در هر صورت می‌خواستم عرض کنم یک چنین بار عامی هست. حالا اکنون شما حساب کنید یک بحث‌هایی هست مثلاً می‌گویند دولت به حساب مردم یک واریز انجام می‌دهد، یارانه می‌ریزد، یارانه‌های معیشتی و اخیراً هم دوباره این موضوعات در جامعه باب شد، بنده متاسفم و به خدا پناه می‌بریم که تا تلویزیون را باز می‌کنیم خبر می‌خواهیم بشنویم، خبر اول راجع به این مرغ و گوشت و اینها شده است. خدا ان‌شاءالله نجاتمان بدهد، خیلی فاصله گرفته‌ایم، حیف این چیزها صدر اخبار شده است. در هر صورت می‌خواستم عرض کنم مثلاً یک چیزی به حساب شما واریز شد، این مثال سطحی نیست و راجع به آن فکر کردم که به شما می‌گویم یعنی از

تقدیرهایشان برجسته می‌شود، حواسش نیست اما مومنی دارد برای او دعا می‌کند و همه به دعای امام عصر (علیه صلاة و السلام) کارشان پیش می‌رود. بنابراین بله هست و الحمدلله سهم‌تان خیلی وافر است. یک روایتی هم دارد می‌گوید مثلاً یک کسانی هستند که به رغم اینکه آن شب ضیافت عام و بار عام است کسانی هستند که متاسفانه آن شب هم چیزی نصیبشان نمی‌شود و در روایت دارد، نمونه آن را دیده‌اید، مثلاً گفتند عاق والدین در شب قدر از فیض قطع می‌شود یعنی اصلاً در ضیافت ورود نمی‌کند. حالا در مجلس هم آمده باشد وسط جلسه هم قرآن به سر گرفته باشد، چون یک مانعی دارد که سدّ فیض است، یعنی کاملاً فیض را به روی او بسته است. یا در روایت در مورد کسانی که گرفتار خمر و اینها هستند آمده است یا کسانی که کینه‌ی مومنی در دلشان



کس برسد، این به یک تقدیری نوشته شده است، البته ما آنجا هم حرف‌هایی داریم، این سهم خود ما این قدر عجیب است که گاهی به لطف خدا حتی آن مقدرات حتمی را هم می‌تواند جابجا کند، طبق نصر روایات ما، مقدر و قطعی است.

بعد باز سهم شما آنجا کلاً منتفی نشده است، آنجا هم شما باز می‌توانید یک مداخله‌گری داشته باشید، عجیب است. مثلاً در باب صدقات آمده است که صدقه گاهی اینها را جابجا می‌کند، گاهی یک چیزی برای ما نوشته شده است آن را دفع می‌کند، حالا یک فصل مفصلی از این رزقی که هست به حساب ما ریخته شده است، این برای شما است منتها مشروط است، مشروط به حُسن اختیار شما است، یعنی شما که شب قدر می‌خواستید هنوز هم بخواهید؛ چون اگر بخواهید آن وقت باید یک کارهایی انجام بدهید، آن

جهت مبانی معرفتی‌اش حساب شده است. شما که شب قدر از خداوند متعال درخواست کردید، فهرستی داشتید از انواع و اقسام دعاها، خوب این خواسته‌های شما به حسابتان واریز شد. گاهی خیلی بیشتر از آن چیزی که فکر کنید، گاهی به دعاهایی که پشت سرتان بوده، الان یک ذخیره فوق‌العاده در حساب شما است. خود نکته مهم این است که این در حساب شما هست، چه چیزی این را قابل برداشت می‌کند، بگذریم از آنچه که خارج از اختیار شما هست، حالا من نوشتم که در این سال جدید فلان کس به دعای خیر شما به شهادت از دنیا می‌رود، اگر مثلاً یک امر محتومی برایش نوشته شده باشد خوب نوشتند دیگر، فلان سهم از رزق را دارد، رزق محتومش به آن می‌رسد. یک چیزهایی است که برای او می‌نویسند، فلان بیماری بنا است دور از جان برای فلان



از ليله القدر، يك سال حواسشان به ليله القدر ماضی است، یعنی ما الان در ماه شوال هستیم هنوز چیزی نگذشته است فاصله‌ای نیفتاده، ۱۵ روز از شب قدر گذشته است، از آن زمانی که این ليله القدر را پشت سر گذاشته‌اند این نگاهش دائم به آن ليله القدر است که سهمش استحصال بشود، سهم خودش را بتواند به دست بیاورد. آن وقت دیگر آنجا هم این فعالیت‌ها از همین شبیه جلسه‌های ما هست، همین مراقبات، همین محاسبه‌ها، همین برنامه‌ریزی‌ها، مثلاً آن چیزهایی را که می‌خواستیم بتوانیم فعالش کنیم، علم، حکمت، انس با قرآن می‌خواستیم می‌گفتیم خدایا به من توفیق بده سهم مناسبی از کلام تو را در جانم، در ذهنم بخاطر بسپارم، حفظش کنم. خوب برایت نوشته‌اند. شرط آن چیست؟ این است که باز بخواهید، باز بخواهیم یعنی

کارهایی که انجام می‌دهید در واقع می‌شود گفت که به همان سهمی که انجام می‌دهید ذخیره ليله القدر برایتان بالفعل می‌شود، قابل برداشت می‌شود و به اصطلاح امروزی‌ها این قابل برداشت شد. حالا می‌توانید آن را بردارید. اگر آن سهم خودتان را بیاورید، اگر آن سهم خودتان را بیاورید این آنجا می‌ماند تا سال بعد، تا ليله القدر بعدی که چه اتفاق بیفتد، عملاً شما بهره‌مند نشده‌اید. این از آن مباحث اساسی است که اگر این را یک کسی بفهمد دو اتفاق برای او می‌افتد، یکی اینکه شب قدر را یک طور دیگر برگزار می‌کند، اصلاً یک مواجهه دیگری با شب قدر دارد، اینجا که گفته‌اند در کلمات، در احوالات اولیاء هست که بعضی‌ها یک سال، یعنی درست از ماه شوال امسال درست حواسشان به ليله القدر است، ليله القدر آتی، دوم بعد



همان شب از موقع خداحافظی با ماه مبارک رمضان می‌گویید خدایا مرا به ماه مبارک رمضان آینده برسان و توجه‌اش به آن قله که ليله‌القدر باشد هست.

سؤال یکی از حضار: یکی از دوستان پرسیده و سؤال پرتکراری هم هست، وضعیت روانی کشور مناسب نیست چطور مردم را آرام کنیم؟

پاسخ حاج‌آقا: بله مناسب نیست چون یاد آخرت ازدست‌رفته است، یعنی هر میزان که بین آن یاد اصلی با این یاد بدلی جابه‌جا می‌شود. آن وقت مسابقه، حرص، بی‌قراری، نگرانی و عمده از این نگرانی‌ها به‌خاطر سوءظن به خدای متعال است، به‌خاطر نشناختن ليله‌القدر است، به‌خاطر این است که ما رازقمان را کس دیگری می‌دانیم و انسان تا رزقش را دست دیگری بداند بی‌قرار می‌شود، بیچاره می‌شود،

چه؟ یعنی بروید برنامه‌ریزی کنید، کلاس اگر می‌خواهید بروید، برایش وقت بگذارید.

ما یک وقت‌هایی خیال می‌کنیم این سهم آنجا است، آن شب ناله‌مان را می‌زنیم، التماس به درگاه خدای متعال می‌کنیم، این آقا یا خانم همسر می‌خواست، شب قدر هم آمد در پیشگاه خدای متعال تقاضا را مطرح کرد، خب آن را برایش نوشتند، حالا باید راه بیفتد هر کدام به شکلی ادامه بدهد تا به آن خواسته‌اش برسد. خیلی از ما آداب زندگی با ليله‌القدر را بلد نیستیم، اگر رزق کسی در ليله‌القدر مقدر و مشخص شده است و گذشته به ليله‌القدر ماضی و گذشته است هر چه می‌تواند باقی مانده‌ای برای آن حساب نگذارد بماند و آنها را استخراج کند، دوم یک چشمش هم به ليله‌القدر آتی است، در آن وداع با ماه مبارک رمضان دیده‌اید امام سجاد (علیه‌السلام) به ما یاد داد از



یعنی در مغازه‌هایشان نیست، همه چیز را سهمیه‌بندی کردند، همه چیز را کوپنی کردند، جاهایی که سال‌ها مثلاً تجربه زندگی خیلی شیک و این‌گونه داشتند الان هیچی ندارند. چرا؟ چون انبار غله دنیا آسیب دیده است، اوکراین چه شده است. منظورم چیز دیگری است، این بی‌قراری‌ها برای چه است، یعنی از دست هم کشیدند و چشمشان به چیزهای همدیگر بوده است. به خاطر آن مسئله است. این مسئله غفلت از مقصد است، و الا آنکه باشد انسان‌ها آرام می‌شوند. البته این آرامش همیشه هم گفتیم هیچ منافاتی با برنامه‌ریزی و تلاش آنها که اصلاً ندارد و عین آن است. مثلاً من الان داشتم می‌گفتم ليله القدر یعنی شب برنامه‌ریزی است که پشت سرش تلاش باشد تا معلوم شود آن برنامه که ما دادیم، آن شب پیشنهاداتی که دادیم راست بوده است و بدون

به آرامش نمی‌رسد. «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»^{۱۷} اگر کسی این گزاره قرآنی را به آن ایمان بیاورد و باور داشته باشد به آرامش می‌رسد. و الا در این دنیا که آرامش ندارد و احساس می‌کند رزقش دست دیگران است، یا دست دولت است، یا دست فلان کس است، یا فلان شخص است، یا فلان نهاد است، فلان مسئول، یا فلان مدیر است. این همان شرک عملی است. این مسابقه‌های بی‌ربط، هر چه این دولت بیچاره فریاد می‌زند می‌گوید من ذخایر را دارم اینها را به شما می‌رسانم نگران نباشید، هیچ وقت این مملکت ما تحت هیچ شرایطی قحطی نخواهد شد مگر ما منقطع بشویم از محبت امیرالمؤمنین و پشت بکنیم به لوازمش. سخت می‌شود ولی گشایش می‌شود، یک جاهایی داریم که به قحطی مبتلا می‌شوند، الان بعضی از کشورهای اروپایی قحطی است،

(سوره ذاریات؛ آیه ۵۸)

۱۷



سؤال یکی از حضار: یکی از بچه‌ها پرسیدند برای این که یاد مرگ در ما استمرار داشته باشد چه کار کنیم؟

پاسخ حاج آقا: همانی بود که عرض کردیم، باید وقت بگذاریم و برنامه‌ریزی کنیم.

سؤال یکی از حضار: یکی از دوستان هم نوشته است که در مورد خلوت معنوی مادران که وقتشان کمتر است راهکار بفرمایید.

پاسخ حاج آقا: باید بگویم ان شاء الله خداوند روزی‌شان کند، چون دشوار است. ان شاء الله خداوند متعال روزی‌شان می‌کند. ببینید اگر انسان طالب باشد در هر شرایطی خدای متعال روزی‌اش می‌کند، چون این کیمیای اکبر در سلوک الی الله است، اگر کسی بخواهد و دنبال کند این را می‌دهد، حالا این یک وقت برای کسی آسان‌تر

تلاش که نمی‌شود، اما تلاش کردن و بی‌قراری و به قول شما حال خوب نبودن و گله و هر جا می‌روید از این چیز حرف می‌زنند، چه دادند و چه ندادند و چه گرفتند و چه ارزان شد، این نقل مجالس، به نظر می‌آید یک غفلت‌هایی افتاده که اینها به فضای عمومی کشیده شده است.

ان شاء الله که یک ذکری به لطف خدای متعال اتفاق بیفتد. آن وقت شما وسط این معادلات مثلاً نوع مواجهه حضرت آقا را با موضوعات و مسائل، در تحلیل‌های کلان ببینید چقدر متفاوت است. اصلاً اهتمام ایشان به چه هست؟ در دیدار با کارگران اهتمام ایشان چه هست؟ در دیدار با معلمان اهتمام ایشان را ملاحظه فرمودید. امیدوارم ان شاء الله خدا توفیق بدهد.



یعنی تلاش می‌خواهد، یعنی در ادامه انسان به یک نقطه‌ای می‌رسد که آن خلوت باطنی برای او مستمر می‌شود، دیگر آن وقت مهم نیست که اطرافش شلوغ هست، کسی هست، کسی نیست، چه کار دارد یا ندارد، اینها مزاحم هستند، وقتی که آن وضعیت باطنی و ملکوتی در انسان تثبیت نشده باشد. وقتی آن وضعیت تثبیت شد آن وقت این قضیه برعکس می‌شود و آن حاکم بر جلوت انسان می‌شود، یعنی همان حالتی که می‌گوییم خوشا آنان که دائم در نمازند «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^{۱۸} که این دو معنا دارد، یک معنایش راجع به نافله است، همان کسانی که به نافله اهتمام دارند، یک معنای لطیف‌تر هم دارد «دَائِمُونَ» آن دوام ذکر است، آن حالت ذکر و توجه باطنی و دائمی که برای کسی اتفاق می‌افتد که شما هم سؤال داشتید و آنجا عرض

ممکن است به دست بیاید و برای کسی ممکن است سخت به دست بیاید، بعد هم استحضار داشته باشد این خلوت این گونه نیست که ما نیاز داشته باشیم به یک زمان طولانی، این در واقع کیفیتش مهم است، حالا برای بعضی‌ها هم از جهت زمان ممکن است زمان چیزی نباشد، مثلاً فرض بفرمایید که ده دقیقه است ولی ده دقیقه است، یعنی این طور نیست که حالا ساعتی وقت بخواهد که بعد بگویند که این را من چگونه گیرم بیاید. نه اشتباه است، آن وقت این خلوت است وقتی که برای انسان ساخته شد، برایش اهتمام پیدا کرد به تدریج به نقطه خواهد رسید که آن خلوتش بر جلوتش غلبه می‌کند و به گونه و به نوعی آن باطن و آن خلوت غالب و حاکم بر این حالت شلوغ می‌شود. این را به او می‌دهند به گونه‌ای که گویا این خلوتش یک خلوت مستمر می‌شود،



کردم، محیط، محیط ذکر است، این چشمش به روی آن محیط واقعی پیرامونی که مملو از ذکر است باز می‌شود و گویا این همیشه در آن حالت ذکر می‌ماند و غفلت برای او پیش می‌آید.

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجْبَةَ
 بِنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ
 عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ
 وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا
 وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ
 عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ
 طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»





موضوع بحث ما در باب قواعد عمومی جهاد اکبر می‌باشد. اینها قواعدی هستند که به هر یک از ما کمک می‌کنند تا در تربیت خودمان و در توسعه شخصیت خودمان، در حفاظت از شخصیت خودمان، در نگاهداشت خودمان بر صراط مستقیم بندگی موفق شویم و بتوانیم به شایستگی عمل کنیم. این قواعد، هم در مبارزه با قوه وهمیه، هم در مبارزه با قوه غضبیه و هم در مبارزه با قوه شهویه مارا یاری خواهد کرد. در هر سه میدان ما به لطف خدای متعال ان شاء الله می‌توانیم وارد یک مبارزه، جهاد و درگیری ظفرمند و کامیاب شویم.

«حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری»